



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۸۷

پاسخنامه قم

شماره پرونده:

پایه:	۵	موضوع:	اصول ۲
تاریخ:	۸۷/۳/۲۰	ساعت:	۶ عصر

نام کتاب: اصول الفقه، از الباب السابع: المجلد والمبین تا اجتماع امر و نهی

لطفاً به همه سوالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

چهارگزینه‌ای

۱. الحسن بمعنی الملائمة للنفس ج ۲۱۸

- ا. يقع وصفاً للأفعال فقط
 ب. يقع وصفاً لمتعلقات الأفعال فقط
 ج. يقع وصفاً للأفعال و متعلقاتها
 د. لا يقع وصفاً للأفعال ولا لمتعلقاتها

۲. حسن «عدل» و قبح «ضرب» است. ا ۲۲۸

- ا. ذاتی - اعتباری
 ب. اعتباری - اعتباری
 ج. ذاتی - ذاتی
 د. اعتباری - ذاتی

۳. مختار مصنف در جواب از اشکال مقدمات مفوت‌ه چیست؟ د ۲۸۰

- ا. وقت، شرط متأخر واجب نیست
 ب. وجوب مقدمه معلول وجوب ذی المقدمه است
 ج. وقت، شرط متأخر واجب است
 د. وجوب مقدمه معلول وجوب ذی المقدمه نیست

۴. مصنف کدام تعبیر از عقل عملی را تعبیر غلطی می‌داند؟ ا ۲۲۲

- ا. العقل العملي بمنزلة المنفذ المُجرى لاشارات العقل النظري
 ب. العقل العملي ما ليس له انشاء بعث وزجر ولا امر ونهي
 ج. العقل العملي ما يدرك أن الشيء مما ينبغي أن يفعل أو يُترك
 د. العقل العملي ما يكون سبباً لحدوث الارادة في النفس للعمل

تشریحی

۱. مراد از «غیر مستقلات عقلیه» را با ذکر مثال بنویسید. ۲۰۸

اگر مقدمه اول غیر عقلی و مقدمه دوم عقلی باشد به آن غیر مستقلات عقلیه گویند؛ مثل: الصلوة واجبة وكل واجب شرعاً يلزمه عقلاً وجوب مقدمته شرعاً فالصلوة يلزمها عقلاً وجوب مقدمتها شرعاً.

۲. چرا مرحوم مظفر قائل به وجوب شرعی مقدمه واجب نیست؟ م ۲۹۳

وجوب مقدمه عقلی است و در موارد حکم عقل به لزوم شیء داعی به فعل موجود است لذا احتیاج به امر مولوی نمی‌باشد (چون امر مولوی برای تحریک مکلف به طرف مأمور به است و چنین داعی موجود است و لذا امر مولوی تحصیل حاصل است).

۳. عبارت «إن الوجوب الغیری تابع لوجوب ذی المقدمه إطلاقیاً و اشتراطاً، و فعلیةً و قوّةً». را با ذکر مثال شرح دهید. (ترجمه کافی نیست) ۲۶۸

هر چیزی که در وجوب ذی المقدمه شرط است در وجوب مقدمه نیز شرط است و هر چیزی که در وجوب ذی المقدمه شرط نیست در وجوب مقدمه نیز شرط نیست. و هر زمان وجوب ذی المقدمه محقق شد وجوب مقدمه نیز محقق می‌شود بنا بر این تقدم وجوب فعلی مقدمه قبل از وجوب ذی المقدمه نیست. مثال: وضو و نماز وجوب فعلی وضوء تابع وجوب فعلی نماز می‌باشد همین طور در اطلاق و اشتراط.

* «لو كانت قضية الحسن و القبح ممّا يحكم به العقل لما كان فرق بين حكمه فى هذه القضية و بين حكمه بأنّ الكلّ أعظم من الجزء، و لكن الفرق موجود قطعاً؛ إذ الحكم الثانى لا يختلف فيه اثنان مع وقوع الاختلاف فى الاول.» ۲۳۱

۴ عبارت فوق اثبات حسن و قبح عقلى است يا نفى آن؟ آن را توضیح دهید.

نفى آن؛ اگر حسن و قبح عقلى می‌بود نباید بین قضیه «العدل حسن و الظلم قبیح» و قضیه «الكلّ أعظم من الجزء» فرقى وجود داشته باشد در حالى که فرق دارند چون اولی محلّ اختلاف است و دومى اتفای.

* «القول بالمصلحة السلوكية على تقدير صحته لا يقتضى الإجزاء؛ لأنه على فرضه تبقى مصلحة الواقع على ما هي عليه عند انكشاف خطأ الأمانة فى الوقت أو فى خارجه.» م ۲۵۲

۵ چرا مصلحت سلوكیه مقتضى اجزاء نیست؟

چون در صورت خطای اماره، مصلحت واقع همچنان باقى است و وقتى مصلحت باقى بود امر آن هم باقى خواهد بود پس امتثال لازم می‌شود.

* «إن أقصى ما يقال فى استحالة الترتب هو دعوى لزوم المحال منه، وهو فعلية الأمر بالضدين فى آن واحد؛ لأنّ القائل بالترتب يقول بإطلاق الأمر بالأهمّ وشموله لصورتى فعل الأهمّ وتركه، ففى حال فعلية الأمر بالأهمّ يكون الأمر بالأهمّ فعلياً على قوله، والأمر بالضدين فى آن واحد محال.» ۳۱۰

۶ در صورت قول به ترتب، چه امر محالى پیش می‌آید؟ چرا؟

فعلیت امر به ضدین در آن واحد - چون قائل به ترتب می‌گوید امر به اهم اطلاق دارد شامل فعل اهم و ترک آن می‌شود پس در حالت ترک اهم، امر به مهم فعلیت پیدا می‌کند فلذا در حال فعلیت مهم، اهم فعلیت دارد در این صورت لازم می‌آید که در آن واحد امر به ضدین بشود.

* «لاشكّ فى أنّ من الشروط الشرعية ما هو متقدّم فى وجوده زماناً على المشروط، ومنها ما هو مقارن للمشروط فى وجوده زماناً.»

۷ عبارت فوق را با ذکر مثال شرح دهید. «شرط متأخّر» چیست؟ ۲۷۴

شرط شرعى: ۱. متقدّم: شرطى که از نظر وجود بر مشروط مقدّم می‌باشند مثل وضوء نسبت به صلوة بنا بر اینکه خود افعال شرط باشد نه اثر آن.
۲. مقارن: شرطى که مقارن با مشروط می‌باشند زماناً مثل استقبال برای صلوة.
شرط متأخّر: آن است که شرط از نظر وجود، زماناً مؤخّر از مشروط باشد. در این قسم اختلاف است.

* «إنّ القضاء بالخصوص إنّما يجب فيما اذا صدق الفوت و يمكن ان يقال: إنّه لا يصدق الفوت فى المقام لأنّ القضاء إنّما يفرض فيما اذا كانت الضرورة مستمرة فى جميع وقت الاداء و على هذا التقدير لا امر بالكامل فى الوقت....» ۲۴۹

۸ دلیل اجزاء امتثال امر اضطرارى از امتثال امر واقعى را با توجه به عبارت فوق بیان کنید.

موضوع قضا، فوت ادا است و در محل بحث این موضوع، مفقود است چون وقتى ضرورت در تمام وقت اداء ادامه داشته باشد امرى نسبت به فرد کامل وجود نخواهد داشت در نتیجه فوت اداء صدق نخواهد کرد و موضوع قضا نخواهد داشت و این به معنی اجزاء است.

۹. اصطلاحات زیر را با ذکر مثال توضیح دهید. ۲۶۹

أ. مقدّمة الوجوب: ج. ما يتوقّف عليها نفس الوجوب بأن تكون شرطاً للوجوب كالاستطاعة بالنسبة الى الحجّ.

ب. مقدّمة الواجب: ج. ما يتوقّف عليها وجود الواجب بعد فرض عدم تقييد الوجوب بها كالوضوء بالنسبة الى الصلاة.

<http://\zokr.com> انجمنهای تخصصی دروس حوزه های علمیه <http://\zokr.ir>
<http://yaalee.com> انجمنهای تخصصی فقه أهل بیت (علیهم السلام) <http://yaalee.ir>

Copyright ©\Zokr.Com

Copyright ©Yaalee.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است.

<http://\zokr.com>